

فصل سوم

ویژگی‌های فرهنگی استان آذربایجان شرقی

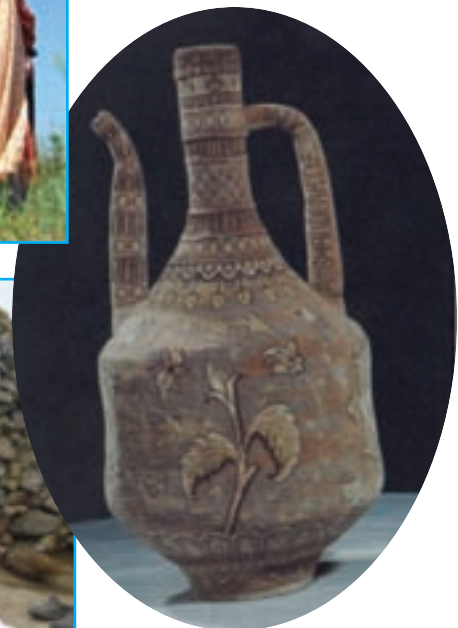




درس نهم: سیمای فرهنگی استان



در باره ویژگی‌های فرهنگی استان مان چه می‌دانید؟



شکل ۱-۳

آداب و رسوم

از دیدگاه یونسکو، فرهنگ کلیت تامی از ویژگی‌های معنوی، مادی، فکری و احساسی است که یک گروه اجتماعی را از گروه‌های دیگر متمایز می‌کند. فرهنگ نه تنها هنر و ادبیات را دربرمی‌گیرد؛ بلکه شامل آیین‌های زندگی، حقوق اساسی نوع بشر، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورهاست. هر جامعه از طریق فرهنگ، خود را از دیگر جوامع متمایز می‌کند و همواره با انتقال سنت‌ها، ارزش‌ها و اعتقادات به نسل جدید، ضمن حفظ هویت قومی، آن را بازسازی می‌کند. بنابراین شناخت فرهنگ، عادات و شیوه زندگی هر قوم و تلاش برای حفظ آن در میان نسل جوان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همان‌طور که می‌دانیم در همه بخش‌های این استان، شیوه‌های مختلف زندگی، گویش‌ها و لهجه‌های مختلف، باورها و اعتقادات، مراسم عزاداری و جشن‌ها، موسیقی و بیات‌ها و داستان‌های جالب و متنوعی وجود دارد که آشنایی شما دانش آموزان عزیز (وگاه یادآوری آن) می‌تواند ضمن حفظ و نگهداری این گنجینه‌های فرهنگی، برغناي آن بیفزاید. در این کتاب با بخشی از فرهنگ، زبان، گویش، مذهب و برخی ویژگی‌های فرهنگی استان آشنا خواهید شد.

فعالیت

– درباره لزوم شناخت و حفظ آداب و رسوم محلی گفت و گو کنید.

زبان و گویش

زبان‌شناسان بر این باورند که در دوران ماقبل مادها به دلیل کثرت اقوام ساکن در آذربایجان، مردم این منطقه گویش‌های گوناگون داشته‌اند. که امروزه اطلاعات چندانی از آنها در دسترس نیست. با مهاجرت آریایی‌ها و تغییرات نژادی که از این مهاجرت حاصل شد، گویش مردم منطقه در دوران مادها و هخامنشیان، (۶۱۲–۳۲۷ ق.م) که اکثریت ساکنانش آریایی بودند زبان پارسی باستان بوده است. طی صدها سال تغییراتی که در زبان پارسی باستان به وجود آمد از آغاز سلطنت اشکانیان به پارسی میانه تبدیل شد و از نظر گویشی، به دو گویش عمده پهلوی شمالی و پهلوی جنوبی (معرب آن فهلوی) تقسیم شد. پنج ولایتی که به زبان پهلوی شمالی سخن می‌گفتند عبارت بودند از (اصفهان، ری، همدان، مهابدان و آذربایجان) چون این نواحی محل زندگی طوایف ماد بوده، این نوع لهجه پهلوی را زبان دگرگون شده مادی قدیم می‌دانستند که در این نواحی رایج بوده است.

بعضی از ایران‌شناسان، زبان حقیقی پهلوی را که در زمان دولت اشکانیان، زبان اداری و کتابت بود زبان آذربایجانی می‌دانستند.

با گسترش اسلام در آسیای میانه و اسلام آوردن عده کثیری از قبایل ترک ساکن منطقه و روی کار آمدن دولت ایرانی تبار سامانیان (۲۰۴ ه.ق) ارتباط با قبایل ترک ساکن آسیای مرکزی تنگاتنگ شد. بنابه گفته مورخان، سامانیان هر سال به قبایل ترک حمله می‌کردند و عده‌ای از جوانان ترک را اسیر می‌گرفتند از این طریق گروهی از آنان به عنوان سرباز و یا خدمه وارد دربار سامانیان می‌شد



و تعدادی از آنها به دربار خلافت بغداد فرستاده می‌شدند. بعضی از این ترکان که سربازان جسور و مردان مدبر بودند در دربار سامانیان به مقامات عالی اداری، درباری و نظامی می‌رسیدند. یکی از این ترکان آلپ تکین غلام نوح ابن منصور سامانی بود که در دربار سامانیان به مقام حاجبی رسید و دیگری دامادش سبکتکین بود که به سپهسالاری خراسان رسید و اولین دولت ترک نژاد را در سال ۳۶۶ ه. ق در ایران تأسیس نمود. غزنویان در سال ۴۲۹ ه. ق از ترکان کثیرالعدده سلجوقی در جنگ دندانقان شکست خوردند و با این شکست دومین دولت فراگیر ترک توسط طغرل بیگ رئیس غزان سلجوقی در سال ۴۲۹ ه. ق در ایران و آسیای صغیر (ترکیه امروز) تأسیس شد. از این زمان چون آذربایجان به دلیل داشتن مراتع خوب بیلاقی و جلگه‌های پست قشلاقی محل زندگی مناسبی برای ایلات دامدار و کوچرو سلجوقی بود بیشتر این اقوام مهاجر در آذربایجان ماندگار شدند. استمرار استقرار دولت‌های ترک زبان به صورت طبیعی زبان ترکی در آذربایجان را توسعه داد. به طوری که در دوران حاکمیت همه این دولت‌ها مردم آذربایجان به زبان ترکی تکلم می‌کردند اما امورات اداری و درباری همه این دولت‌ها همچنان به زبان فارسی صورت می‌گرفت.

امروزه گویش مردم آذربایجان به دلایل تاریخی و جامعه‌شناختی ترکی آذری است. ولی زبان اداری و آموزشی و نوشتاری فارسی می‌باشد. تعداد زیادی از لغات آذری باستان در اصطلاحات کشاورزی، تقویمی، توزینی، اسامی روستاها و محل‌ها کاربرد دارد.

بقایای گویش آذری باستان که قبل از حضور اعراب و سلجوقیان زبان گویشی مردم آذربایجان بوده است و جهانگردان، مورخان و جغرافی‌نویسان اسلامی از آن یاد کرده‌اند. تاکنون در بعضی از روستاهای آذربایجان مانند گلین قیه و هرزند عتیق شهرستان مرند و روستاهای ملک و کرینگان شهرستان ورزقان و مردانقم شهرستان خداآفرین و غیره به دلایل دورافتادگی از مرکز و گاه تعصبات قومی محفوظ مانده و ساکنان مناطق یاد شده به آن گویش تکلم می‌کنند.

مذهب و آیین‌های مذهبی در استان

پس از ظهور اسلام و آشنایی ایرانیان با پیام آزادی‌بخش و انسان‌ساز اسلام، گرایش به این دین در آذربایجان نیز گسترش یافت و مردم مسلمان آذربایجان به لحاظ عشق و محبت به پیامبر و اهل بیت او پیرو مذهب شیعه دوازده امامی گردیدند و در گذر زمان، تبریز به عنوان مرکز حاکمیت محل اعلام رسمی تشیع شد و در واقع اولین پایتخت جهان تشیع به حساب می‌آید.

در عین حال سالیان سال است که وجود اقلیت‌های مذهبی را در بافت اجتماعی خود پذیرفته و با رأفت اسلامی، زندگی مسالمت‌آمیزی را با آنان داشته است. مردم آذربایجان برای ابراز علاقه زیاد خود به پیامبر اکرم (ص) و امامان بزرگوار همه ساله مراسم خاصی را در نقاط مختلف استان به منظور بزرگداشت آنان برپا می‌کنند.

در این استان همه ساله مانند سایر نقاط ایران، آیین‌های مذهبی به مناسبت‌های خاصی برگزار می‌شود. این مراسم به تناسب شرایط زمانی و مکانی، شکل‌های خاصی به خود می‌گیرد.

یکی از جلوه‌های عشق و علاقه مردم این دیار به خاندان اهل بیت (ع) مربوط به مراسم محرم می‌باشد.

این مراسم به صورت دسته‌های عزاداری شاه حسین وای حسین، هیئت‌های زنجیرزنی، سینه‌زنی، روضه‌خوانی و شبیه‌خوانی تاسوعا و عاشورا برپا می‌شود. در گذشته نه چندان دور در روستاهای استان روزهای تاسوعا و عاشورا قبل از برگزاری مراسم



شکل ۲-۳- تصویری از مراسم سینه‌زنی در ایام محرم در استان

شبیه‌خوانی، برخی روستاییان با روشن نمودن سماور زغالی جلوی منازل خود از عزاداران حسینی پذیرایی می‌کردند. امروزه این مراسم با گذشت زمان شکل‌های متفاوتی پیدا کرده است.

مراسم شبیه‌خوانی که سالیان سال است در جای جای آذربایجان اجرا می‌شود، از پررونق‌ترین مراسم ایام محرم به شمار می‌رود. در این مراسم وقایع مربوط به قیام امام حسین (ع) برای عزاداران به نمایش درمی‌آید تا همواره این حرکت تاریخی را برای نسل‌های بعد زنده نگه دارد.



شکل ۳-۳- تصویری از مراسم شبیه‌خوانی

شهریار و روز شعر و ادب فارسی

سید محمدحسین بهجت تبریزی، متخلص به شهریار، از برجسته‌ترین شاعران معاصر ایران است که به زبان‌های فارسی و ترکی شعر سروده است. در تقویم ایران بیست و هفتم شهریور ماه که مصادف با روز درگذشت استاد است، روز «شعر و ادب فارسی» نام گذاری شده است.

منظومه «حیدر بابایه سلام» او در سال ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ منتشر شد و بسیار مورد استقبال قرار گرفت. این منظومه درخشان‌ترین اثر ادبی زبان ترکی است و تاکنون به ۸۷ زبان زنده دنیا ترجمه شده است.



شکل ۳-۴- شهریار

ویژگی‌های فرهنگی استان

حیدربابا، ایلدریم‌لار شاخاندا
سللر، سولار، شاقیلدیوب آخاندا
قیزلار اونا صف باغلیوب باخاندا
سلام اولسون شو کتوزه، ائلوزه
منیم ده بیر آدیم گل‌سین دیلوزه

یکی از دلایل شاهکار بودن منظومه «حیدر بابا به سلام» آن است که دربر گیرنده فرهنگ عامه این دیار است. تصویر ارائه شده در این شعر، نه تنها تصویر واقعی روستای خشک‌تاب بلکه نمایی از تمام روستاهای ایران است. شهریار که به حق او را شهریار شعر و سخن نامیده‌اند، در قالب‌های مختلف شعر فارسی، مانند قصیده، مثنوی، غزل، قطعه، رباعی و قالب‌های آزاد شعر سروده است. از غزل‌های او می‌توان به «همای رحمت» و «آمدی جانم به قربانت» و «سهندیه شهریار» اشاره کرد.



شکل ۵-۳- تصویری از روستای خشک‌تاب (زادگاه شهریار)

تاپماجالار (چیستان‌ها)

از گذشته‌های دور در آذربایجان، مردم به دلیل وجود زمستان‌های سخت و طولانی از طریق نقل افسانه‌ها و متل‌ها، بایاتیلار، قوشماجالار، تاپماجالار و آتا بابا سوزلری (ضرب‌المثل‌ها) و... سرمای روزهای زمستان را در دور کرسی‌ها به گرما تبدیل می‌کردند. در اینجا چند نمونه از این چیستان‌ها را می‌آوریم:

داغدا تاپیلدار سودا شاپیلدار اوبادا فرمان کنده‌ده سلیمان	نادا وار، ناردا وار ناردان شیرین هاردا وار ال توتماز، بیچاق کسمز اوندان شیرین هارداوار؟	اونه دی کی، ها گندر، هو گندر هش کولگه سی یوخ
	جواب: خواب	جواب: آب



آتابا لار سوزی (ضرب المثلها)

ضرب المثلها، آینه‌ای تمام‌نما از فرهنگ عامیانه مردم است که در درون خود اندیشه‌ها، تجارب، رویدادهای تاریخی و آموزه‌های سنتی یک ملت را جای داده است. این جملات که به طور خلاصه و کوتاه با حالتی از طنز و کنایه، مطالب آموزنده را به طور غیر مستقیم به مخاطبان خود انتقال می‌دهند، جان کلام را در اوج فصاحت و بلاغت بیان می‌کنند. در ادبیات مردم آذربایجان ضرب المثلها (آتالار بابالار سوزی) و چیستانها (تاپماجالار) جایگاه بسیار مهمی دارند.

بیشتر بدانیم

در اینجا به تعدادی از این ضرب المثلها به زبان ترکی اشاره می‌شود:

آت، آت اولونجا، بیه سی مات اولار..... تا اسب بخواهد بزرگ شود، صاحبش مات می‌شود.

باش یولداسی یو خدور، آش یولداسی چو خدور..... یار جانی کم است و یار نانی بسیار.

آت اولوب، ایتین بایرامی دیر..... اسب مرده، عید سگه.

بسله سن، اطلس اولار توت پیراقیندان..... با تربیت و پرورش دادن، از برگ توت اطلس به دست آوری.

ایشله مین، دیشله مز..... کسی که کار نمی‌کند، حق خوردن هم ندارد.

هر نه تو کسن آشوا او گلر قاشیقو وا..... هر چه توی آشت بریزی، همان را توی قاشق می‌بینی.

فعالیت



– دو مورد از ضرب المثلهای رایج محل زندگی خود را با گویش و لهجه‌های محلی خودتان تهیه کنید.

بایاتیلار

دوبیتی‌های بومی ادبیات شفاهی مردم آذربایجان، یکی از رایج‌ترین انواع آهنگین ادبیات عامیانه به شمار می‌روند. «بایاتی»ها وسیله‌ای برای بیان شادی‌ها، دردها و آرزوهای مردم آذربایجان است.

بیشتر بدانیم

انسان‌ها همیشه به زادگاه خود و خاطره‌هایی از موطن خود علاقه‌مندند و هرگاه از آن دور شوند، با شوق و خاطره آن زندگی می‌کنند.

عزیزم وطن یاخشی..... عزیز من وطن خوب است.
گیمیه کتان یاخشی..... برای پوشیدن، کتان خوب است.
گزمه یه غریب اولکه..... برای گشت و گذار، غربت خوب است.
اولمه یه وطن یاخشی..... برای مردن وطن خوب است.

آپاردی چایلار منی. هفته لر آیلاز منی..... روده‌ها، هفته‌ها و ماهها مرا با خود بردند.
یوکوم قورقوشوم یوکوی - یوردی بو تابلاز منی..... بار من سرب است، این بار مرا خسته کرده است.

لالایی‌ها

لالایی‌ها بخش لطیفی از ادبیات شفاهی سرزمین ماست که به عنوان نخستین ارتباط کلامی مادر با کودک، مهر و محبت مادرانه را به طرز زیبایی در وجود کودکان جاری می‌سازد و موجب آرامش جسم و روح مادر و کودک می‌شود. از دیرباز در آذربایجان لالایی‌ها در فرهنگ عامیانه مردم جایگاه مهمی داشته است.



شکل ۳-۶- لالایی موجب آرامش جسم و روح مادر و کودک می‌شود.



بیشتر بدانیم

باتاسان	گوله	قیزیل	باتاسان	دئدیم	لالای
تاپاسان	یوخی	شیرین	ایچینده	گولون	قیزیل
کولگده	سن	گونده	من	لالای	دئدیم
سنة	قوربان	گونده	من	ایلده	قوربان
ای	لا	اوشیگیم	لا	لا	بششیکیم
چکیم	کشیکین	لا	لا	سن	یات، من
					اویاق
					قالیم

بازی های محلی

در گذشته در مناطق مختلف آذربایجان همچون دیگر مناطق ایران، کودکان و نوجوانان اوقات فراغت خود به صورت های گوناگون سپری می کردند که هم موجب تفریح و شادی آنان می شد و هم آنها را با فنون و مهارت های اجتماعی آشنا می ساخت. متأسفانه امروزه این بازی ها که پر از شادی و نشاط جای خود را به وسایل ارتباط جمعی به ویژه تلویزیون، بازی های رایانه ای، آتاری و ... داده است که هم آثار نامناسبی بر سلامت روح و روان کودکان و نوجوانان برجای می گذارد و هم سلامت جسمی آنان را به مخاطره می اندازند. در آذربایجان با توجه به تنوع این منطقه انواع بازی های محلی مشاهده می شود. از جمله آن ها می توان به بازی: بنفشه بنده دوشتر، بش داش، طناب کشی، تیرنا ووردی، پیل دسته (کلینگ آغاج)، آرادا ووردی، گیزلین پالانچ (قایم باشک) و ... اشاره کرد.



شکل ۷-۳- تصویری از مسابقه طناب کشی در میان عشایر

بیشتر بدانیم

تیرنا ورودی

در این بازی دایره‌ای روی زمین کشیده می‌شود و کمربندی را در وسط دایره قرار می‌دهند، عده‌ای از بچه‌ها به عنوان نگهبان، دور تا دور دایره می‌ایستند و از کمربند محافظت می‌کنند. یکی از بچه‌ها هجوم می‌آورد و می‌کوشد وارد دایره (قلعه) شود و کمربند را بردارد. اگر موفق شود با کمربند، محافظان را تنبیه می‌کند و اگر نتواند، به‌عنوان جریمه ضربه‌هایی که رئیس قبیله تعیین می‌کند، باید تحمل نماید.

فعالیت

– با کمک بزرگ‌ترها دو مورد از بازی‌های محلی را که پدران و مادران شما در دوران کودکی در محل زندگی خود بازی می‌کردند، بیان کنید.



شکل ۸-۳

موسیقی آذربایجان

موسیقی محلی آذربایجان، با طبیعت زیبای این منطقه (کوه‌ها و دامنه‌ها، دشت‌های سرسبز و دره‌های عمیق) و زندگی سنتی مردم روستاها و ایلات و عشایر درهم آمیخته است. موسیقی آذری هم از روح حماسی و پهلوانی برخوردار است و هم عشق به طبیعت و انسان و انسانیت را بازگو می‌کند. این موسیقی سرشار از گذشت و فداکاری در راه میهن و همنوعان است. عاشیق لار (عاشیق‌ها) که سروده‌ها و شعرهای مردمی را به شکل زیبایی می‌خوانند، با لباس و کلاه مخصوص و چکمه‌های ساق بلند، ساز خود را در آغوش می‌گیرند و هنگام خواندن بایاتی‌ها و دیگر اشعار عامیانه هر شنونده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهند.



در گذشته نه چندان دور عاشیق‌ها، به صورت خوانندگان دوره‌گرد با ساز خود در عروسی‌ها و مجالس جشن روستاییان شرکت می‌کردند و در قهوه‌خانه‌ها ساز خود را همراه دف و سرنا می‌زدند و می‌خواندند. عاشیق‌ها انسان‌های مبارز، پیشرو قیام مردمی علیه ستمگران و دشمنان میهن خود بودند. آن‌ها سروده‌های زیبای خود را با انگیزه‌های احساسی ناب و انسانی و حفظ امانت هنر عاشیقی، در میان مردم می‌خواندند. مشهورترین داستان‌های آنها کور اوغلی، اصلی کرم، قاچاق نبی و... می‌باشد که هنوز هم در پاره‌ای از روستاهای استان، در مراسم عروسی و مهمانی‌ها خوانده می‌شود.

مراسم چهارشنبه سوری

در آذربایجان چهارشنبه‌های اسفند ماه هر کدام نامی دارند و هر یک از آنها متناسب به یکی از عناصر اربعه یعنی باد، خاک، آتش و آب است. به همین دلیل در برخی از نقاط، اولین چهارشنبه را یئل چرشنبه سی (چهارشنبه باد)، دومین چهارشنبه را توپراق چرشنبه سی (چهارشنبه خاک) سومین چهارشنبه را اود چرشنبه سی (چهارشنبه آتش) و چهارمین چهارشنبه را آخیر چرشنبه (چهارشنبه آخر) و یاسو چرشنبه سی (چهارشنبه آب) می‌نامند. اما امروزه فقط در آخرین چهارشنبه سال مراسم پریدن از روی آتش برپا می‌شود. و با گفتن: دیش آغریم، باش آغریم، قادا بالا، درد و بلام هامیسی توکولسون بواودا (یعنی دندان دردم، قضا و بلا و درد و بلایم همه‌شان در این آتش از بین بروند) از روی آتش می‌پرند.

بیشتر بدانیم

یکی از رسم‌های رایج در اکثر روستاهای آذربایجان شرقی رسم شال‌اندازی بوده که امروز نیز در برخی روستاها کم و بیش به چشم می‌خورد. پس از مراسم پریدن از روی آتش همه به خانه‌هایشان باز می‌گردند و پس از شام به پشت بام می‌روند و از روزنه سقف خانه‌ها شال یا دستمال متصل به چند متر طناب را به داخل خانه آویزان می‌کنند. اهالی خانه در شال بادام، گردو، کشمش و گردو می‌ریزند و آن را گره می‌زنند. گذاشتن تخم مرغ رنگ شده آب پز، جوراب، پول و... داخل شال نیز رسم است. باور مردم بر این بوده است که می‌گویند نباید شال‌انداز را دست خالی برگرداند. شهریار در مورد شال‌اندازی در بخشی از حیدر بابا به سلام خود می‌نویسد:

آخشامیدی، گنج قوشی اوخوردی
آداخلی قیز، بیگ جورابین توخوردی
هرکس شالین بیر باجادان سوخوردی
شال ایسته دیم من ده اوده آغلام
بیر شال آلیب، تئز بثلیمه باغلام
غلام گیله قاشیدیم، شالی سالادیم
فاطمه خالا منه جوراب باغلامدی
خان نه نه می، یادا سالیب آغلامدی

مراسم عید نوروز



شکل ۹-۳- تصویری از «تکم» در روستا

نوروز یکی از مهم‌ترین اعیاد مردم آذربایجان شرقی است. مردم از فصل سبز و زاینده‌گی طبیعت با نام‌هایی چون: نوروز بایرامی، ایل بایرامی یاد می‌کنند. در گذشته نه چندان دور با آمدن پیک‌های نوروز، این مراسم آغاز می‌شد. پنجاه روز مانده به عید سفیران نوروزی با آوازخوانی و دست‌افشانی رفتن زمستان سرد و طولانی و آمدن بهار سرسبز را به مردم مژده می‌دادند. مردم آمدن آن‌ها را به فال نیک می‌گرفتند و اعتقاد داشتند که سالی که پیک‌های نوروزی به راه می‌افتند، برای آن‌ها سالی پر محصول خواهد بود. پیک‌های نوروزی چند دسته بودند که یک دسته از آن‌ها تکم چی‌ها بودند. تکم نام پادشاه بزهاست و آن را از چوب و دانه‌های رنگین درست می‌کردند و دم خروس برایش می‌گذاشتند. بعد آن را سوار تخته‌ای می‌کردند و با تکان دادن اهرمی که به شکم تکم وصل بود، آن را می‌رقصانند و درباره‌ی خوشبختی‌ها و بدبختی‌های تکم شعر می‌خواندند.

دسته‌ای از پیک‌ها سایاچی لار نام داشتند و آنان نیز با خواندن اشعار در وصف بهار و طبیعت آمدن عید را نوید می‌دادند.



شکل ۱۰-۳- تصویری از مراسم عید نوروز در استان



فعالیت



با استفاده از کتاب درسی و یا صحبت با افراد خانواده یکی از جنبه‌های فرهنگی زادگاه و استان محل زندگی خود شامل، غذاهای محلی، سرودها، موسیقی‌های محلی، آداب و رسوم، جشن‌ها، لباس‌ها و غیره را بررسی کنید.

صنایع دستی

آثار هنری و ابداعات فرهنگی هر قومی نمادی از ویژگی‌های ملی است که برگرفته از توانمندی‌های اخلاقی، هنری و فرهنگی آن قوم است.

استان آذربایجان شرقی در بسیاری از زمینه‌های هنری پیشرو بوده و مکتب خاص خود را داشته است و توانسته در طول تاریخ صفحات درخشانی را از حضور فعال و مؤثر مردان و زنان هنرمند خود به نمایش بگذارد.



شکل ۱۱-۳- قالی‌بافی در استان

ویژگی‌های فرهنگی استان



شکل ۱۲-۳- نمایشگاه و فروشگاه صنایع دستی عشایر

در این میان صنایع دستی به‌عنوان جلوه‌ای بدیع از هنرهای سنتی در آذربایجان توانسته همواره تحسین نظاره‌گران را برانگیزد.

صنایع دستی در واقع میراث فرهنگی یک ملت است و استان آذربایجان شرقی یکی از کانون‌های مهم در این زمینه محسوب می‌شود.

صنایع دستی برجسته این استان شامل قالی‌بافی، ورنی‌بافی، گلیم‌بافی، سوزن‌دوزی، جاجیم‌بافی، تذهیب، هنرهای چوبی، سفالگری، نقاشی روی چرم، سبده‌بافی و... است. رونق صنعت زیبای فرش‌بافی در این استان به حدی است که عمده‌ترین صادرات غیرنفتی استان را به‌خود اختصاص داده است. فرش این استان معمولاً به کشورهای آلمان، فرانسه، ایتالیا و انگلیس صادر می‌شود.



شکل ۱۴-۳- سفالگری در زنوز



شکل ۱۳-۳- سوزن‌دوزی در مغان



بیشتر بدانیم

از سبدهافی نیز باید به عنوان یکی از صنایع در حال انقراض یاد کرد. این صنعت خانگی در گذشته نه چندان دور در بیشتر مناطق آذربایجان رونق داشته است. سبدهافی از ساقه‌های گندم و جو در مناطقی از شهرستان مرند (کشکسرای) و سبدهافی از چوب موسون در روستاهای اطراف مراغه پیشینه تاریخی زیادی دارد. زنان این مناطق این سبدها را در طرح‌ها و رنگ‌های بسیار زیبا می‌بافتند و این سبدها بیشتر مصارف خانگی داشته است.



شکل ۱۵-۳- سبدهافی در کشکسرای

خانواده و خویشاوندی

خانواده یکی از ارکان مهم زندگی اجتماعی است. امروزه با وجود تغییر زندگی گسترده به زندگی هسته‌ای که شامل زن و مرد و فرزندان می‌شود، هنوز هم خانواده به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین نهادها نقش مهمی دارد. فرزندان در کنار والدین و در ارتباط با پدر بزرگ، مادر بزرگ و سایر خویشاوندان پیوند خانوادگی خود را محکم نگه می‌دارند. در استان آذربایجان شرقی خانواده از جایگاه خاصی برخوردار است و خانواده‌ها در ارتباط با تربیت فرزندان نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. رفت و آمدهای خانوادگی، صله‌رحم و... بسیار متداول بوده و مراسم مختلف و جشن‌ها با حضور بزرگان فامیل برگزار می‌شود.